

اسطوره، بیان نمادین

تبلور نمادین اندیشه‌ها

● فهیمه غنی نژاد

اسطوره، بیان نمادین

ابوالقاسم اسماعیل پور

انتشارات سروش

- اسطوره، بیان نمادین
- ابوالقاسم اسماعیل پور
- انتشارات سروش
- چاپ اول: ۱۳۷۷ / ۳۰۰۰ نسخه
- قطع وزیری / ۲۱۴ صفحه
- قیمت: ۶۵۰۰ ریال

تعیین می‌کند. باورهای اسطوره‌ای که هسته‌های اصلی دینهای آغازین انسان را تشکیل می‌داده‌اند باروایت‌های دینی، خویشاوندی نزدیک دارند به طوری که پاره‌ای از آنها در پیکره برخی از اینها به چشم می‌خورند. نزدیکی اساطیر با ادیان، طبعاً نزدیکی آنها با موازین اخلاقی را نیز می‌رساند، که این موازین به اعتبار زمانها و مکانهای مختلف و ویژگیهای هر قوم و ملت، متفاوتند.

اسطوره، بیان نمادین، حرکتی است در گستره اساطیر، و کوششی است در جهت شناساندن اسطوره و بینشهای مربوط به اسطوره‌شناسی. در این حرکت و کوشش، بعضی اساطیر اقوام گوناگون در جایگاههایی متفاوت از جمله کتاب اوستا، متنهاي پهلوی، سرودهای ودایی و... مورد بحث قرار گرفته‌اند. در بخشهایی از گفتار نخست، مفاهیم نمادین و تمثیلی تعدادی از وجوه پدیده‌های طبیعت طبقه‌بندی، پس آنگاه مقولاتی چون حماسه و انواع آن، افسانه، قصه‌های پریان^۱، قصه‌های عامیانه^۲، قصه‌های علت‌شناختی^۳، فابل^۴، تمثیل^۵ و قصه‌های نمادین^۶ شرح داده شده که باروشن شدن هر یک از این انواع، وجوه اشتراک و تمایز اسطوره با آنها ابعاد مشخص‌تری یافته است.

در همین گفتار، به رابطه اسطوره با ادبیات، معماری، نقاشی، هنرهای نمایشی، رقص، موسیقی و... و همچنین به انواع اساطیر از قبیل اساطیر ریشه و بن- که به آغاز و ابتدای آفرینش و شناخت اسطوره‌های آن از قبیل زمین، آسمان، انسان و نظایر آن مربوط می‌شوند- و اساطیر رستاخیزی- که به پایان و انتهای جهان و به طور کلی مرگ هستی نظر دارند- و اساطیر نجات‌بخشی- که به رستگاری فرجامین انسان و چگونگی آن از دیدگاه اقوام و ملل مختلف امید دارند- پرداخته شده، نگاهی کوتاه و گذرا هم به انسان عصر نوین و اسطوره‌هایش افکنده شده است:

«... به گمان برخی، اسطوره در جهان نوین تنها به گونه فردی‌اش، در رویاها و تخیلات و آرزوهای زنده است. مارکس اگر چه ریشه هر نوع آیین و اسطوره را از بن قطع کرده بود، با این حال، خود و نظریه‌اش در جهان نو به اسطوره مبدل شده، اسطوره‌ای در قلمرو نقش رستاخیزی منجی دادگر (پرولتاریای رهایی‌بخش) که سرانجام باعث دگرگونی نظام جهان خواهد شد، جامعه بی‌طبقه مارکس را می‌توان در شمار جلوه‌های اساطیری عصر زرین به شمار آورد» صفحه ۷۳

فلات ایران از پانزده هزار سال پیش از میلاد مسیح که دوره باران را پشت سر گذاشت، به اجمال بررسی می‌شود و در هزاره پنجم پیش از میلاد، کمی مکتب می‌بینیم که در آن هزاره، ایرانیان از غار درآمد، در ناحیه سیلک نزدیک کاشان مسکن می‌گزینند و تدریجاً خانه‌سازی را فرا می‌گیرند.

گذشته از شکار، کشاورزی و پرورش گاو و گوسفند نیز در میان آنان رواج پیدا می‌کند. کوزه‌گری، شکل می‌گیرد و نقش و نگار بر روی ظروف پیدا می‌شود. در همین دوران، و تنها اندکی بعد است که ظروف مسی، تیغه داس و تبر ساخته می‌شود. در هزاره چهارم پیش از میلاد، در فلات بین‌النهرین پیشرفت‌های

اسطوره‌ها، کلید بازگشایی استنباط اقوام گوناگون از هستی پیرامونشان، و راهی برای رسیدن به شناخت معیارها، آرمانها، گرایشها، نفرتها، ترسها و توهمهای ایشان است که از دیرباز و شاید زمانی بی‌آغاز، به صورت زنجیره‌هایی از روایات، سینه به سینه و دست به دست تا امروز رسیده‌اند و چونان آینه‌هایی در برابر ما نشسته‌اند، تا دیروز چندین هزار سال پیش را در خود بنمایانند. دیروز چندین هزار سال پیش را که جهان جوانتر بود و درک و دانش انسان از آن، نوپا. آنقدر نوپا که در گهواره‌های خیال و رمز می‌جنبید و هنوز تا گام زدن در چهارچوبهای علمی، هزاره‌های بسیار، فاصله داشت. و امروز که بسیاری از دانسته‌های انسان در چهارچوبهای علمی گنجانیده شده‌اند، دانش جوان اسطوره‌شناسی نیز با اهمیتی نه کمتر از دیگر شاخه‌های علوم، رسالتی سنگین بر عهده گرفته است. رسالتی که طی آن، زمان را رو به گذشته می‌شکافد و معنویات و فرهنگ گذشتگان خویش و بیگانه را در دل آن جستجو می‌کند و برای تبیین آنچه هست، به آنچه بود نقب می‌زند.

از ویژگیهای اسطوره، که در واقع، از تفاوت‌هایش با تاریخ هم هست، این است که در آن، واقعیت وجودی شخصیتها و پیشامدها، مطرح نیست بلکه بار معنایی و پشتوانه اعتقادی آن، مراتب ارزشی‌اش را

**از ویژگیهای اسطوره، که در واقع،
از تفاوتهايش با تاریخ هم هست،
این است که در آن، واقعیت وجودی
شخصیتها و پیشامدها،
 مطرح نیست بلکه**

**بار معنایی و پشتوانه اعتقادی آن،
مراتب ارزشی اش را تعیین می کند.
باورهای اسطوره‌ای که هسته‌های
اصلی دینهای آغازین انسان
را تشکیل می داده‌اند**

**با روایت‌های دینی، خویشاوندی نزدیک
دارند به طوری که پاره‌ای از آنها
در پیکره برخی از اینها**

**به چشم می خورند. نزدیکی اساطیر
با ادیان، طبعاً نزدیکی آنها با
موازین اخلاقی را نیز می رساند، که**

**این موازین به اعتبار
زمانها و مکانهای مختلف و
ویژگیهای هر قوم و ملت،
متفاوتند**



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

در این کتاب، به اسطوره آفرینش و نیز نوروز به عنوان تجلی‌گاه آن اسطوره، و به اساطیر گنوسی پرداخته شده؛ و به «انسان نخستین» در برخی اساطیر مختلف چنان ایرانی و مانوی و سومری هم اشاراتی گردیده است.

اسطوره، بیان نمادین، در چهارچوب خود، و در بیان آنچه قصد گفتش را داشته، موفق است و دو ویژگی چشمگیر در آن، بر دل می‌نشیند. یکی استفاده از ماخذ و منابعی که تنوع و گوناگونیشان، نمایانگر دید بارز و دور از هر گونه تعصب و محدودبینی نویسنده است.

این دیدباز، بخصوص در پیشگفتار کتاب که از پویندگان شاخص این قلمرو و کوشندگان گرانقدر پژوهشهای اسطوره‌شناسی در ایران - بی‌هیچ گزینش گروه‌گرایانه و سلیقه‌ای - با قدردانی و بزرگداشت نام برده می‌شود، سخت احترام برمی‌انگیزد. و دیگری، از نظر دور نداشتن ادبیات معاصر ایران در بررسیهای اسطوره‌شناسی، که بدیع و تحسین برانگیز است:

«در ادبیات سرزمین خودمان، در آثار سپهری - از جمله آنجا که به نیلوفر، تقدس نور، آب، زمان، مکان و سفر به «آرمانشهر» اشاره دارد - بنی اسطوره‌ای می‌توان یافت؛ بوف کور هدایت و برخی اشعار نمادین نیما نیز از بن مایه‌های اساطیری بهره‌مند است -

صفحه ۱۶
اما در تقسیم‌بندی موضوعی حماسه، آنجا که از دایی جان ناپلئون اثر معروف ایرج پزشک‌زاد، در ذیل «حماسه‌های طنزآمیز» نام برده می‌شود، این سؤال از ذهن خواننده می‌گذرد که آیا نویسنده در این مورد دچار اشتباه نگردیده است؟

چشمگیری در تمدن و فرهنگ روی می‌دهد و انسان به فن نگارش دست می‌یابد. همزمان با آن، در ایران نشانه‌های تاثیرپذیری از این پیشرفتهای معنوی و مادی، رخ می‌نماید و نشانه‌های تصویری روی سفالینه‌ها نقش می‌بندد. در هزاره سوم پیش از میلاد، فرهنگ بومی ایرانی با فرهنگ بین‌النهرین می‌آمیزد. در هزاره دوم پیش از میلاد، کوچ هند و ایرانیان آغاز می‌شود و شاخه‌های شرقی اقوام هند و اروپایی که هند و ایران نام دارند، قدم در فلات ایران می‌گذارند. در هزاره اول پیش از میلاد، زرتشت ظهور می‌کند و سلسله‌های ماد و هخامنشی روی کار می‌آیند.

از جمله ایزدانی که مورد پرستش هند و ایرانیان یا آریائی‌ان نخستین بوده‌اند میترا - وروناه، ایندرا و ناسه‌تیه^۱ بوده است. میترا - وروناه زوجی خدایی هستند که پیوسته در کنار یکدیگرند و بیش از دوستان در سرودهای ریگ ودا^{۱۱} آمده‌اند:

«بی جفت جویین! از حکومت جهان که بر هزاران ستون استوار شده است، نگهاری کنید! میترا وروناه پادشاهان آسمانی‌اند که پندیاورنده آرزوش و بارانند...» صفحه ۱۲۲

ورونه که با آب پیوندی نزدیک دارد، خدای عهد و پیمان است. او که بزرگترین ایزد سرودهای ریگ وداست، خویشکاری^{۱۲} اش پاسناری از نظم گیتی و ارتباط دادن متهمان با پیمانها و میثاقهایشان، از هر نوع است؛ و میترا که با آتش مرتبط است ضامن اجرای پیمانها و میثاقهاست. بر اساس ریگ ودا او نگاه دارنده زمین و آسمان، و بزرگترین یاری کننده ستایش کنندگان خویش است:

«(۱) میترا چون به سخن در آید، مردم را به کاربرانگیزد، میترا زمین و آسمان - هر دو - را نگاه دارد.

میترا مردم را با چشمانی می‌نگرد که هرگز بسته نمی‌شود. با روغن مقدس برای میترا نذر آورید...»

(۷) میترا که جلال او در اقصی نقاط منتشر است در نیرو از آسمان در گذرد و در شهرت، خویش از زمین فزونی یابد.

(۸) تمام «پنج نژاد» به میترا توسل جویند که دریاری نیرومند بود، چون او نگاهدارنده همه خدایان است...» (ریگ ودا ماندا لای سوم، سرود ۶۰)

نقل از صفحات ۱۱۹-۱۲۰ همین کتاب
مهمترین پیشکار وروناه، ایندرا است که ایزدی شجاع و جنگجوست و پیوسته جلدار جنگجویانست.

زمین و آسمان به او تعظیم می‌کنند و کوهها، بانفسه‌های می‌لرزند. نسه تیه ایزدی است که بخشنده و مهربان است و صاحب دانش سرمدی. دین اقوام هند و ایرانی در ریگ ودا و یشتها^{۱۳} حفظ شده است.

پس از جنایی اقوام هند و ایرانی از یکدیگر، وروناه، ایزد بزرگ هندوان گردید و میترا، ایزد بزرگ ایرانیان؛ و بیشتر صفات وروناه و حتی ایندرا، هند و ایرانی، بعدها به میترا داده شد.

این ایزد بزرگ، با پیشینه پر شکوه دوران هند و اروپایی و هند و ایرانی‌اش، با جلوه‌ها و وجوه گوناگون، به دوران اوستایی منتقل شد و در جای جای اوستا بنشست؛ و پس آنگاه، به نوشته‌های پهلوی راه یافت.

یادداشتها

- 1 -Legend
- 2 -Fairy Tales
- 3 -Folk Tales
- 4 -Etiologic Tales
- 5 -Fable
- 6 -Parable
- 7 -Symbolic Tales
- 8 -Mitra-Varuna
- 9 -Indra
- 10 -nasatya
- 11 -Rig-Veda. مجموعه‌ای از سرودهای کهن هندی، و یکی از چهاربخش وناهاست.
- 12 -وظیفه‌ای که هر یک از مخلوقات جهان و نیز خالق آنها (اهورا مزدا) بر عهده دارند و می‌بایستی آن را به انجام برسانند.
- 13 -سرودهای کهن ایرانی، که بخشی از کتاب اوستاست.
- 14-NockEpic.